



سردار دل‌ها

ای شیرمرد قهرمان! هر روز
یار تو را در خاطر دارم
از دوری و دل‌تنگی‌ات، گاهی
مانند ابری تیره می‌بارم

هر چند باور کردنش سخت است
اینکه نباشی در میان ما
اما بدان این را که تا هستیم
عشق تو پابرجاست در دل‌ها

سردار دل‌هامان شری، زیرا
در فکر تو آرامش ما بود
از خود گذشتی و دلت می‌فراست
جام شهادت را بنوشی زود

فون تو بی‌شک تا ابد جاری ست
یک کربلای دیگر آوردی
بسیار زیباتر شد از آن روز
معنای انسانیت و مردی ...

محبوبه مصمصام شریعت

چیزی شبیه آه ...

نه بر فراز تپه‌ای زیباست
نه در میان دشت و گن‌مزار
بالای یک سکوی سیمانی ست
با دست و پای لاغر و کوتاه
با پوزه‌ای بسته
انگار می‌گوید
چیزی شبیه آه
این‌طور غمگین است
تاکسیدر می‌رویه

منیره هاشمی



همراه با صدای شاعر

من و تو در ایوان

فنگ آن دم که نشینیم در ایوان من و تو
به دو نقش و به دو صورت، به یکی جان من و تو

دار باغ و دم مرغان برهد آب حیات
آن زمانی که در آیم به بستان من و تو

اقتران فلک آیند به نظاره ما
مه‌فود را بنماییم بریشان من و تو

طوطیان فلکی جمله شکر فوار شوند
در مقامی که بقدریم بدان سان من و تو

این عجب تر که من و تو به یکی کنج این جا
هم در این دم به عراقیم و فراسان من و تو

به یکی نقش بر این خاک و بر آن نقش دگر
در بهشت ابری و شکرستان من و تو

مولانا جلال الدین محمد (مولوی)

بیشتر بخوانیم

بزرگراه

این کتاب شامل ۱۵ قطعه شعر با عنوان‌های «خط فاصله»، «کمر بندها را ببندیم»، «عوارض عبور»، و... است. نویسنده در این اشعار نشان می‌دهد که زندگی بزرگراهی است با تمام شادی‌ها، غم‌ها، توقف‌ها و جنبش‌ها و حرکت‌ها و زندگی ماشینی عامل دور شدن انسان از طبیعت و فاصله بین عناصر طبیعت است. شاعر با زبانی شاعرانه با صحنه‌پردازی‌های هنرمندانه، بی‌مهری، خشونت، سختی و سنگ‌دلی تکنولوژی را به تصویر کشیده است و اسارت انسان را در قفس زندگی ماشینی بیان می‌کند.



مؤلف: افسانه شعبان بژاد

ناشر: لویه تو سال چاپ: ۱۴۰۰